

## تاریخچه سلاح فلوره (۱)

نوشته: مالکوم فر - ۱۶ سپتامبر ۲۰۱۸ - لئون پول

ترجمه: عباسعلی فاریابی (۱۳۹۹/۳/۲۵)

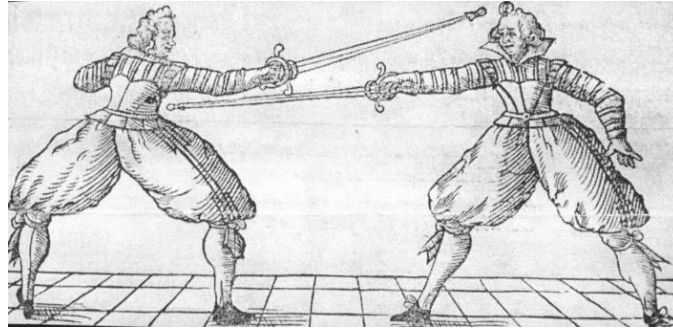
زمان و مکان ظهور شمشیر فلوره سبک به عنوان یک اسلحه یکی از رازهای جذاب تاریخ شمشیربازی است. از زمان تبدیل شدن شمشیر رپیه (rapier) به یک سلاح غیرنظامی محبوب در قرن شانزدهم، تمرین هدفمند با شمشیرهای تمرینی نوک (دکمه) دار آغاز گردید. حال بیایید ببینیم که شمشیر فلوره چگونه توسعه یافته است؟



در رساله ای که در سال ۱۵۵۰ نوشته شده است، **ویجانی** استاد شمشیربازی ایتالیا اولین کسی بود که از کاربرد سلاح های تمرینی - arme di gioco (اسلحه بازی) و spada da marra (قداره) نام برده است. در آخرین ربع قرن ۱۶، اصطلاح شمشیربازی فلوره به تدریج مورد استفاده قرار گرفت: لغت های floures (به معنی گل) در رساله سینت دیدیپرز در سال ۱۵۷۳، floret (به معنی گلچه) "شمشیری که نوک آن گل بسته شده است" توسط **مونتاین** نویسنده فرانسوی در سال ۱۵۸۰، اصطلاح foile "سلاح شمشیربازی که ضربه آن آسیب نمی رساند" در نوشته های **شکسپیر** در سال ۱۵۹۸، و واژه fioretti که **فلوریو**، فرهنگ نویس و مترجم فرانسوی آن را در سال ۱۵۹۸ به معنی "وسیله تمرینی برای تمرین بازی با شمشیرهای رپیه و قمه معرفی کرده است. اما همه این اصطلاحات معرف یک شمشیری که نوک آن دکمه (گل) دارد نه این سلاح ورزشی که امروزه ما می شناسیم.

در دوران سلطنت لویی سیزدهم (۱۶۱۰-۱۶۴۳) مد پوشیدن کت های کوتاه ظهور کرد، که با شمشیر بلند و دست و پاگیر رپیه نمی شد آن را پوشید. بنابراین به یک شمشیر درباری سبک تر احساس نیاز شد، که در نتیجه طول تیغه ها به تدریج کاهش یافت تا اینکه در دهه ۱۶۴۰ سلاح کاملاً جدیدی متکامل و ظهور یافت که: یک **شمشیر کوچک** بود. این سلاح سبک تر و قابل تحمل بسیار خطرناک تر از سلف خود بود. بنابراین برای جلوگیری از کور شدن چشم یا سایر آسیب های صورت و اجرای مهارت های بازی شمشیربازی در ایمنی نسبی، قوانینی باید وضع می شد.

هیچ کس نمی داند چه کسی ابتدا این قوانین را ابداع کرده یا سلاح تمرینی که امروزه ما آن را فلوره می شناسیم معرفی کرده است. اما در سال ۱۶۲۱، کلمه مدرن fleuret برای اولین بار در دایرة المعارف فرانسه مورد استفاده قرار گرفت که در آن اشاره می شود که: با این شمشیر ضربه با نوک زده می شود نه بصورت برشی. این کتاب موارد خاصی که در سالن های تمرین شمشیربازی باید رعایت می شد، توصیف می کند، از جمله لزوم جلوگیری از ضربه زدن به صورت، اما این یک اقدام احتیاط ایمنی بود که در دوره قبل از بهره گرفتن از ماسک در مجموعه قوانین بازی فلوره اعمال می شد. بنابراین، اگرچه چیزی به نام fleuret در سالن های شمشیربازی یافت می شد، اما هنوز برخی محدودیت هایی در مورد نحوه استفاده از آن وجود داشت. کتاب های شمشیربازی همچنان به توصیف و تصویرگری از شمشیر رپیه (شکل ۱) می پرداختند. اما تاریخچه ساخت فولاد نشان می دهد که در اوایل قرن ۱۷ میلادی فرایند قابل اعتماد تبدیل آهن به فولاد شروع شده بود، و در نتیجه سازندگان شمشیر توانستند تیغه های قابل انعطاف نسبتاً ارزان و با کیفیت مناسبی را تولید کنند.



شکل ۱: یک تصویر از سال ۱۶۱۱ که تمرین با شمشیر رپیه را نشان می دهد.

در سال ۱۶۵۳ چارلز بسنارد، استاد شمشیربازی ایالتی فرانسه، دفاع و ریپوست را به عنوان دو حرکت، آموزش می داد، اما در تصاویر موجود مرتبط به او مشخص نیست که آیا او در حال آموزش فلوره بوده است. او همچنین این سؤال را مطرح کرد: "چرا یک فرد شجاعی که مهارت اندکی دارد، غالباً می تواند با شمشیر واقعی بدون قضاوت، بر مردی که صد نفر مانند او را با شمشیر فلوره شکست می دهد، غلبه کند؟" نظر او این بود که استفاده مکرر از سلاح های بی ضرر مانند فلوره، حس خطر شمشیر را از بین برده است. اساساً مطرح کردن این سؤال توسط او، دلالت بر این دارد که فلوره با مقررات وضع شده رسمی آن در اواسط قرن ۱۷ میلادی مورد استفاده قرار می گرفت (شکل ۲).



شکل ۲: یک جفت شمشیر فلوره متعلق به حدود سال ۱۶۵۰

با این وجود، در سال ۱۶۷۰ کتابی منتشر شد که برای اولین بار شرحی بر اجداد فلوره مدرن را به وضوح نشان می دهد، که در آن ضربه با استفاده از تیغه های انعطاف پذیر بلند به بدن زده می شد (شکل ۳). این کتاب با نام *De La Touche* منتشر شده است، اگرچه بدون مشخص کردن قوانین مربوط به بازی فلوره یا حتی آن سلاح را به نام "فلوره" معرفی کند، نشان می دهد که شمشیربازی فلوره یک سرگرمی محبوب در دربار لویی چهاردهم بود. این امر با حکاکای های مسی مرتبط به آن دوره نشان می دهد که مسابقه ای جلوی شاه در جریان است (شکل ۴).



شکل ۳



شکل ۴

از این جالب تر این است که اولین ثبت قوانین واقعی حاکم بر فلوره باید در رساله ای مبهم توسط یکی از علاقه مندان آماتور اسکاتلندی به نام **سر ویلیام هوپ** در سال ۱۹۲۴ اتفاق افتاده است. در بخشی از این قوانین که می بایست در همه مدارس شمشیربازی رعایت می شد، آقای هوپ روشن می کند که اگرچه شخص می تواند با شمشیر واقعی نوک تیز به هر قسمت از بدن ضربه بزند، اما در مدارس شمشیربازی "ضربه های که به غیر از تنه بدن، یعنی زیر گردن و بالای بند شلوار و بین دو شانه اصابت کند، به هیچ وجه مجاز نیستند و مورد قبول واقع نمی شوند." شمشیرهای فلوره، یا آن گونه که او برای نشان دادن منشاء فرانسوی آن **fleuret** (گل) می نامید، باید از طول مساوی برخوردار باشند و بازی آن سه ضربه ای بود. برای کمک به داوران تکه ای از اسفنج آغشته به رنگ قرمز به نوک برجسته شمشیر وصل می شد و هر ضربه قبل از ادامه بازی ثبت می شد.

به سختی می توان باور کرد که در فرانسه دست اندرکاران هنر جدید باید چهار سال دیگر صبر می کردند تا بتوانند قوانین مرجعی داشته باشند، اما رساله سال ۱۶۹۶ **جین لابات** اهل بندر تولوز اولین اثر نوشتاری فرانسه است که آنچه برای چندین دهه در مسابقات پاریس مشاهده می شده است، توصیف می کند. (یک نسخه خطی از این اثر به تاریخ ۱۶۸۲ در مجموعه های فیک رویال آرموری، استکهلم وجود دارد، اما این نسخه دربرگیرنده قوانین نیست). در ترجمه انگلیسی اثر لابات در سال ۱۷۳۴ عنوان شده است که: "ضربه با شمشیر فلوره تنها روی تنه قابل قبول است، اما با شمشیر واقعی همه جای بدن درست است."

قوانین سنتی اساسی اندکی در طول قرن ها تغییر کرده است. مبدا کسی فکر کند که تعریف حمله ما پدیده جدیدی است، زیرا لابات در رساله خود به خوبی تصریح کرده است که حق تقدم حمله وجود داشته است: "اگر هر دو شمشیرباز با هم ضربه بزنند، فقط ضربه بازیکن مهاجم پذیرفته می شود. ضربه های کدوبل مردود بود، اما اگر یکی از آنها به هدف و دیگری به بیرون از هدف می خورد، ضربه به هدف به تنهایی معتبر بود. ضربه ای که بلافاصله پس از خلع سلاح زده می شد، قبول بود، اما ضربه ای که پس دفاع با دست غیر مسلح زده می شد قابل قبول نبود. شمشیربازی که عمداً ضربه ای به صورت می زد از مسابقات حذف می شد. مربیان هم اجازه نداشتند به شاگردان خود کمک کنند."

سر ویلیام هوپ در کتاب اصلی خود در مورد شمشیربازی، که در سال ۱۷۰۷ منتشر شد، اشاره می کند که ضربه به مچ دست، بازوها، ران ها، یا پاها مجاز بوده است، اگرچه در بازی شمرده نمی شدند و به آنها امتیاز تعلق نمی گرفت، اما می توان آنها را به عنوان حرکات آماده سازی در هنگام استفاده از شمشیرهای واقعی نوک تیز، در نظر گرفت. زیرا چنین ضربه هایی می توانند برای از کار انداختن حریف در مبارزه های واقعی مفید باشند. آقای هوپ بر اهمیت حفظ فاصله و عقب نشینی با یک یا دو قدم در برابر رقبای تهاجمی تأکید می کند، "بدون اینکه آن بازیکن ترسو قلمداد شود." بازیکن مجاز نبود باتون شمشیر را با کف دست نگهدارد و انگشت اشاره خود را در امتداد دسته قرار دهد، که در نتیجه عملاً نزدیک به ۳ اینچ به طول شمشیر اضافه می شد، "که یکی از نشانه های ظرافت و حيله گری بود که به راحتی توسط افرادی تازه کار تشخیص داده نمی شد."

صد سال بعد، **جوزف رولند** اشاره می کند که پیچاندن بدن، پشت کردن به حریف به منظور جلوگیری از خوردن ضربه، یا انداختن بدن بی اندازه پایین تا حد آستانه سقوط، اخطار داشته است. او این گونه بیان می کند: "گویا که قصد دارند به پنجه پای حریف ادای احترام کنند. به طوری که شمشیربازها با این گونه کارها و بسیاری از حرکت های ظریف دیگر، اغلب مانع از برخورد شمشیر حریف به هدف شان، یعنی سینه، می شدند،

که تنها مکانی است که ضربه های آن قابل قبول بود." او توضیح داده است که قابل قبول بودن ضربات به سینه به تنهایی به این دلیل بود که شمشیربازی تا حد امکان ایمن شود. او اضافه می کند: "اگر ضربه به جاهای دیگر بدن قابل قبول شود، این هنر کاملاً مورد سوء استفاده قرار می گیرد، و هیچ کس دیگر به تمرین نمی پردازد. ضمن اینکه آسیب دیدگی از این نوع حمله ها می تواند مادام العمر برای شخص بماند." هشدارهای مرتبط به این نوع خطرات و جراحات ها در دهه اول قرن نوزدهم نشان می دهد که حدود ۵۰ سال پس از اختراع این شمشیر، ماسک سیمی هنوز استفاده نمی شد.

هدف از بازی فلوره، به گفته آنتوان لوبوازیه، پسر مخترع ماسک سیمی، ارائه بهترین تکنیک بود. آرچی کوبل مورخ شمشیربازی ذکر می کند که: "در دوره شمشیرهای کوچک مرسوم بود که کسی که ضربه ای را دفاع می کرد، باید ریپوست خود را نگهدارد تا اینکه حریف از حمله به گارد برمی گشت (شکل ۵). بازیکنان خوب تنها به اندازه نیم اینچ به جلو یا عقب حرکت می کردند، و با حفظ زمین خود اتک های خود را با بتمان های ریز انجام می دادند. در پایان بازی، پای چپ باید دقیقاً در همان مکان شروع قرار داشته باشد. این سطح از مهارت بالای فنی تنها به اندازه سه یا چهار ضربه قبل از استراحت شمشیربازی می توانست حفظ شود، که در این وضعیت پاشنه پای راست باید روی میج پای چپ قرار می گرفت.



شکل ۵: مدرسه شمشیربازی آنجلو رد سال ۱۷۸۷.

در سال ۱۸۳۶ وقتی ماسک بالاخره پذیرفته شد، بارت المی دی باست اظهار داشت که: "از آنجا که یک مسابقه شمشیربازی در ملاً عام نیاز به درس های هدفمند متعددی داشت، بنابراین آن می بایست با همان جدیت دول انجام شود." قبل از هر مسابقه، یک نمایش مفصلی از تکنیک و دقت معروف به *tirer au mur* انجام می شد که بعدها به عنوان سلام شمشیربازی معروف شد. ضمن اینکه هر شمشیرباز می بایست ضربه دریافت شده خود را خودش با صدای بلند اعلام کند.

جورج چاپمن اظهار داشته است که فقط ضربه های که به منطقه بین گردن و کمر زده می شوند قابل شمرده می شوند، "به شرطی که بازیکن به طور عمدی سینه خود را با دست مسلح و یا با پیچاندن بدن خود پنهان نکند." وی در ادامه کتاب "تمرین فلوره" منتشر شده در سال ۱۸۶۴، ادامه می دهد که: "تنها ضربه هایی که به قسمت بالای باسن اصابت می کند قابل قبول است."

از اواخر دهه ۱۸۵۰ تیغه ها شروع به علامت گذاری شدند. شماره ۴، در حدود ۸۴۰ میلی متر طول و انعطاف پذیر برای استفاده در درس ها، و شماره ۵، حدود ۸۸۰ میلی متر طول و سفت تر برای بازی. اولین مسابقات فلوره رسمی سالانه با نام مسابقات قهرمانی سلطنتی در سال ۱۸۸۰ معرفی شد، که بازی های آن ۵ ضربه ای و روی یک سکو (پیست) به اندازه ۲۴ X ۴ فوت برگزار می شد. جلیقه ها از یک ماده سفید ساخته می شدند و برای کمک به قضاوت هدف قابل قبول فلوره با رنگ "سیاه" پوشیده می شد.

علی رغم شناسایی گسترده قبلی هدف بین گردن و باسن، در سال ۱۸۹۱ آلفرد هاتن هدف را دقیقاً به این صورت تعریف کرد: "پابین لبه تحتانی استخوان یقه تا کمر، که محدوده عمودی بخش داخلی هدف با یک خطی که از نوک پستان چپ عبور می کند و از بخش بیرونی هدف با خطی که از قسمت جلوی زیر بغل عبور می کند محدود می شود"